

علم أصول الفقه

١١

اوامر ٤-٧-٩٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



ماده

هيأت

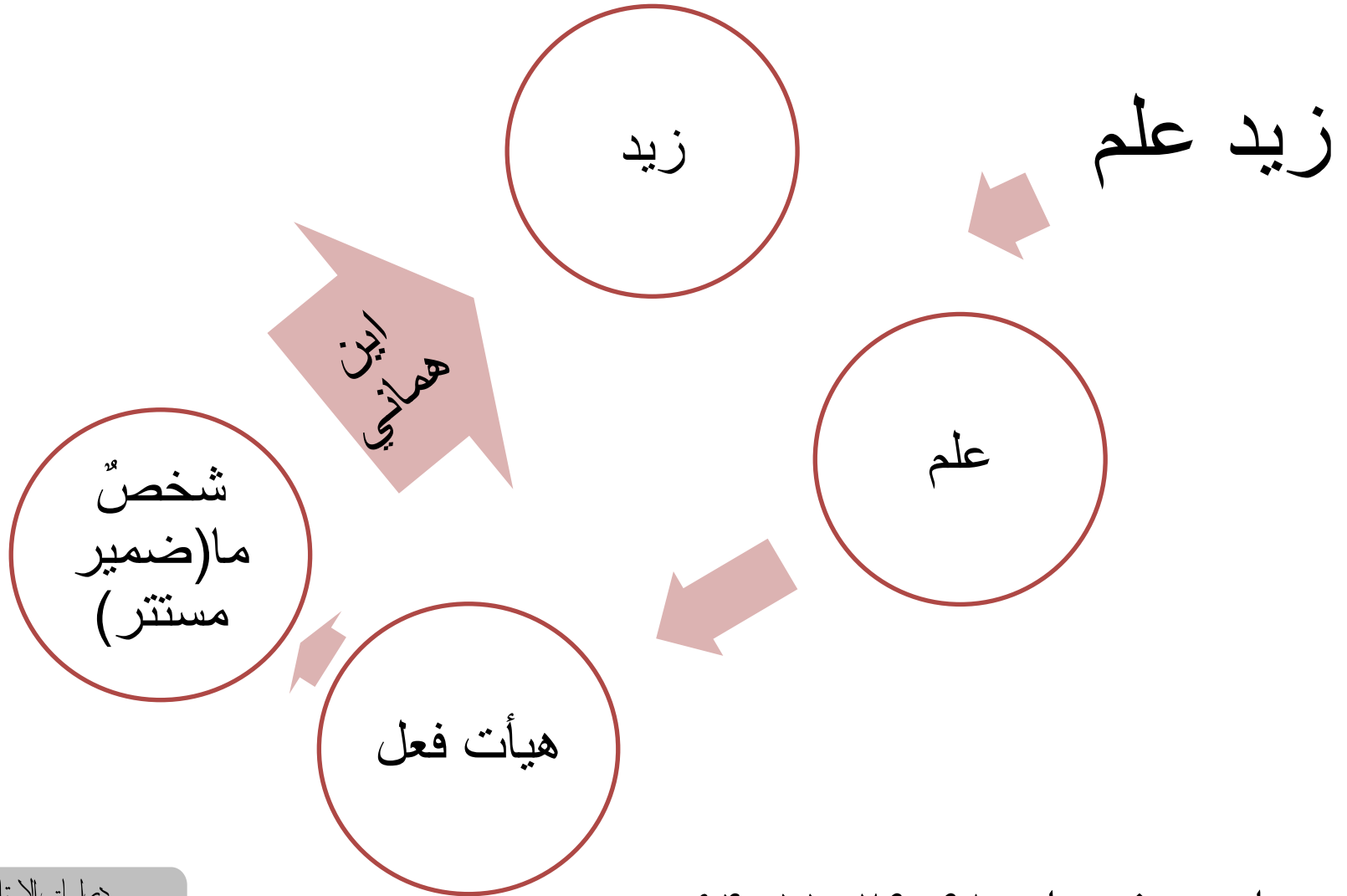
امر

علم زيد

زيد

علم

هيأت
فعل



يعلم زيد

زيد

علم

هيات
فعل (النسبة
التلبيسية)

إعلم (زيد)

زيد (مأمور)

علم

هيات
فعل (النسبة
الإنشائية
الإيقاعية)

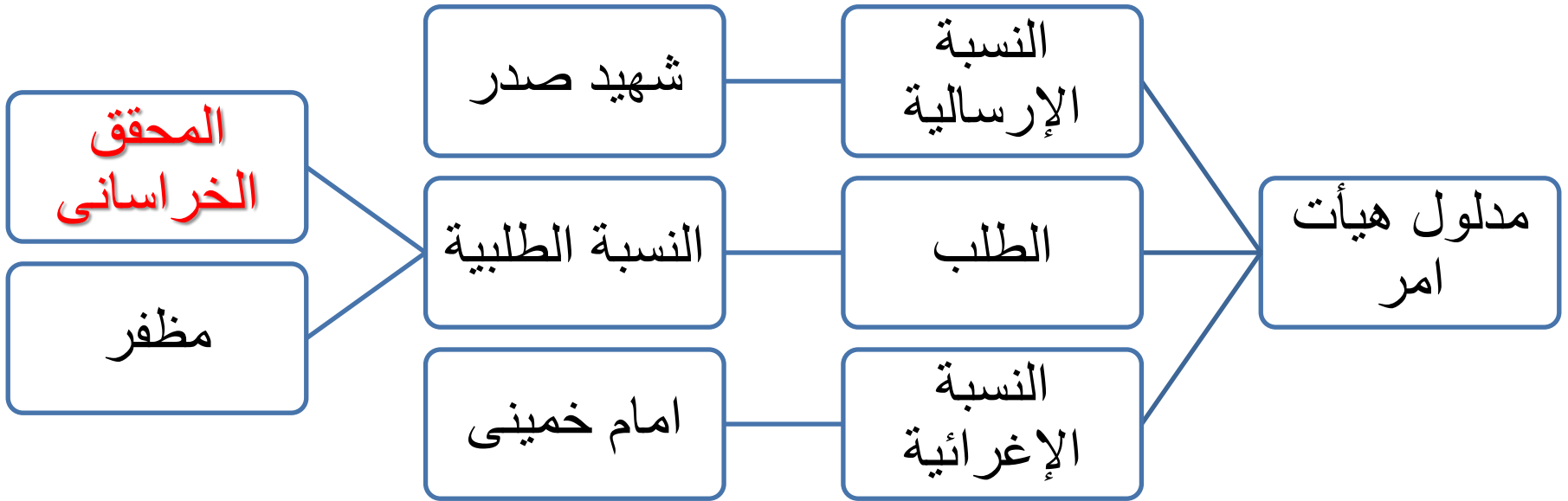
إعلم (زيد)

زيد (مأمور)

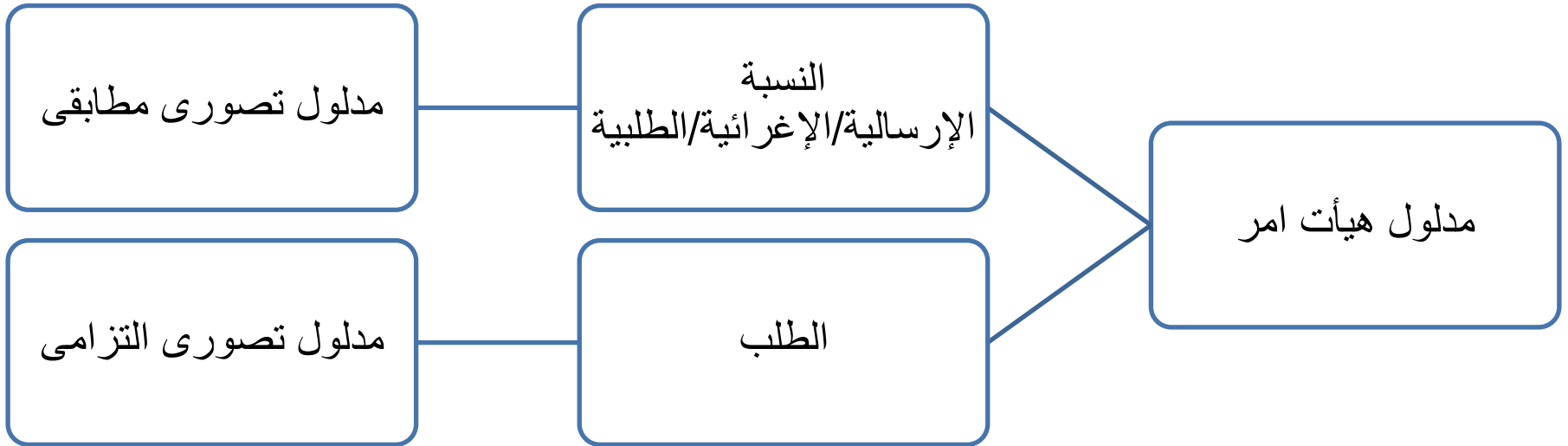
علم

هیأت
فعل (النسبة
الإرسالية)

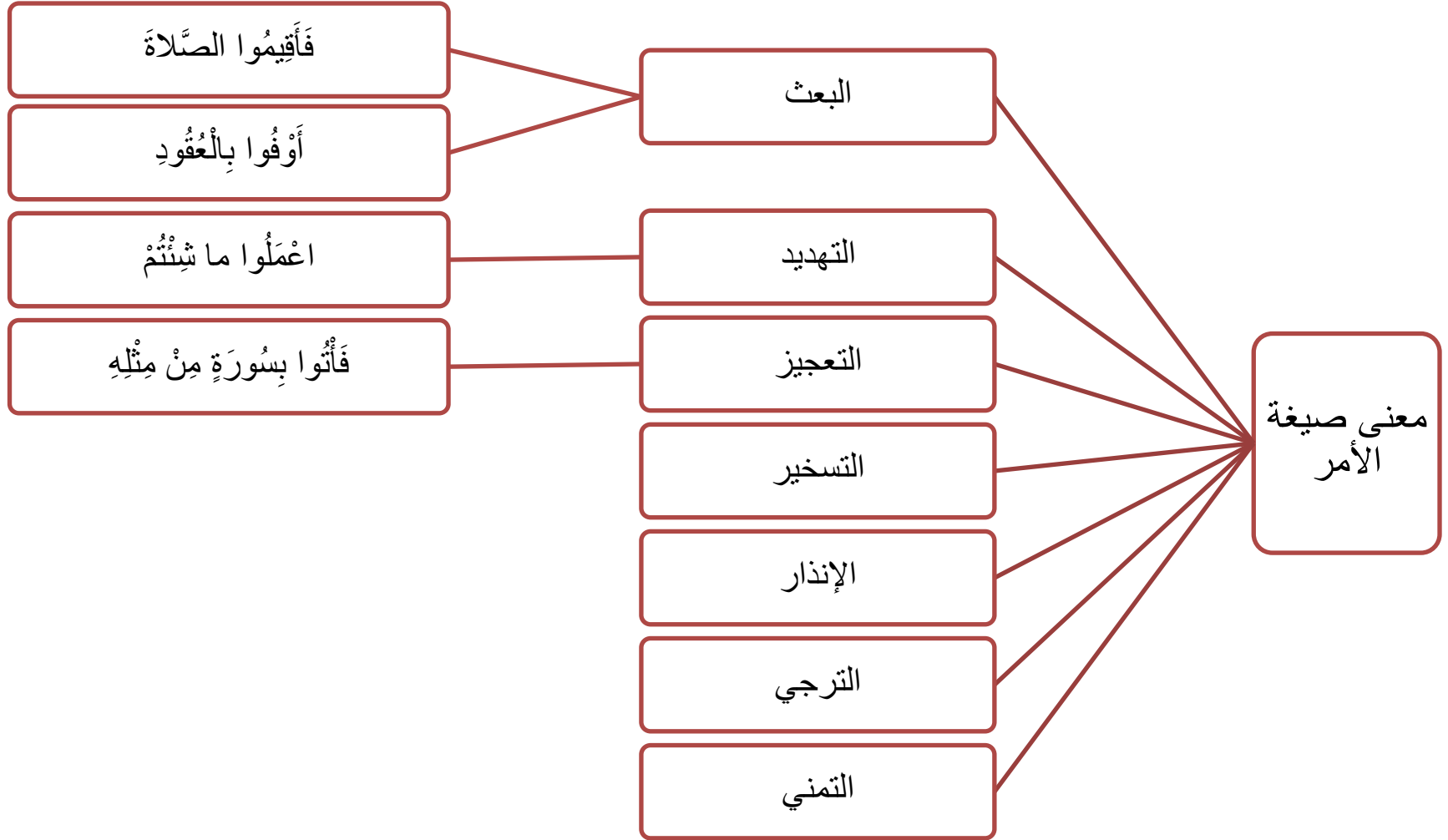
مدلول هيأت امر



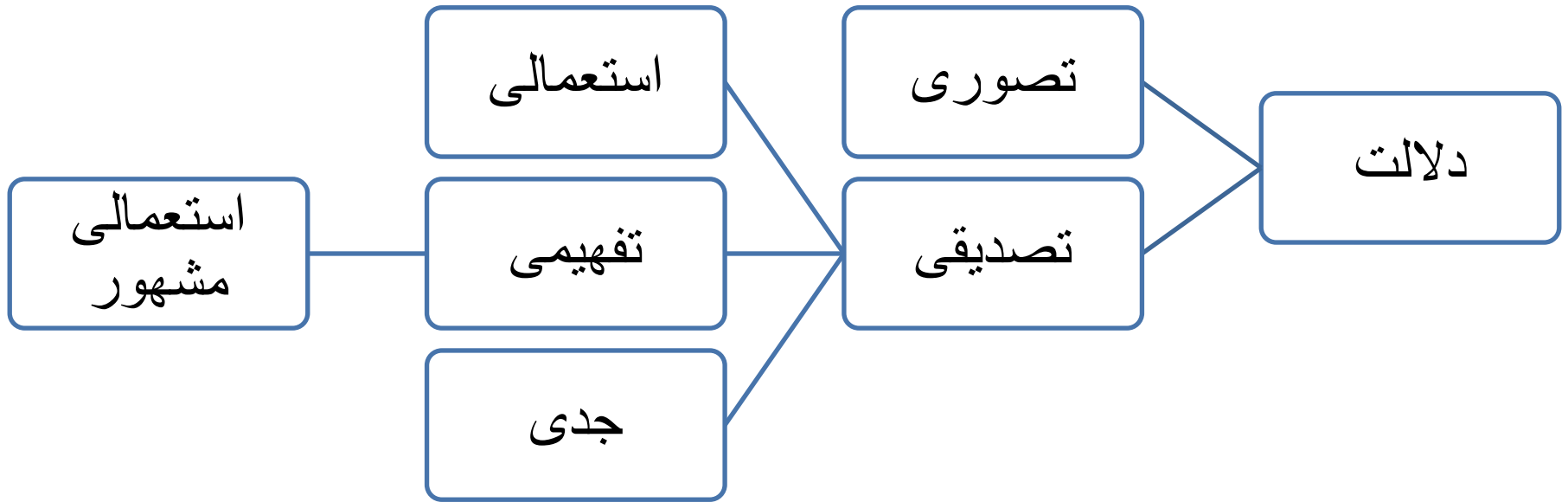
مدلول هيأت امر



استعمال هيأت امر در غير طلب



تقسيم شهيد صدر



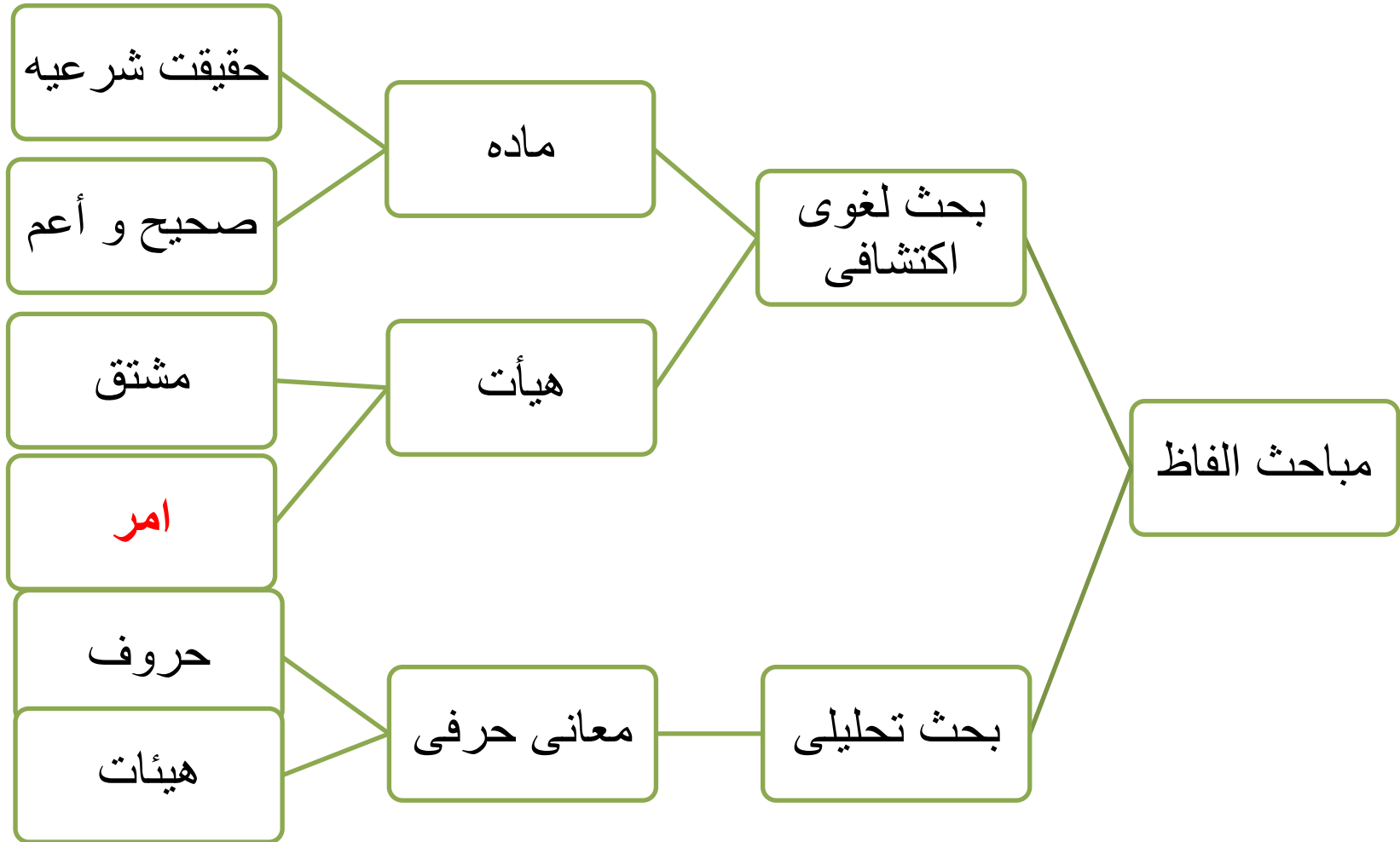
ظهور امر در وجوب

- ظهور امر در وجوب
- آنچه تا حال گفتیم، مقدمه‌ای بود برای بحث «ظهور امر در وجوب». قدا این بحث را می‌کردند که آیا امر ظاهر در وجوب است یا خیر و در معالم یک سری ادله برای قائلین و منکرین این ظهور آورده شده است.

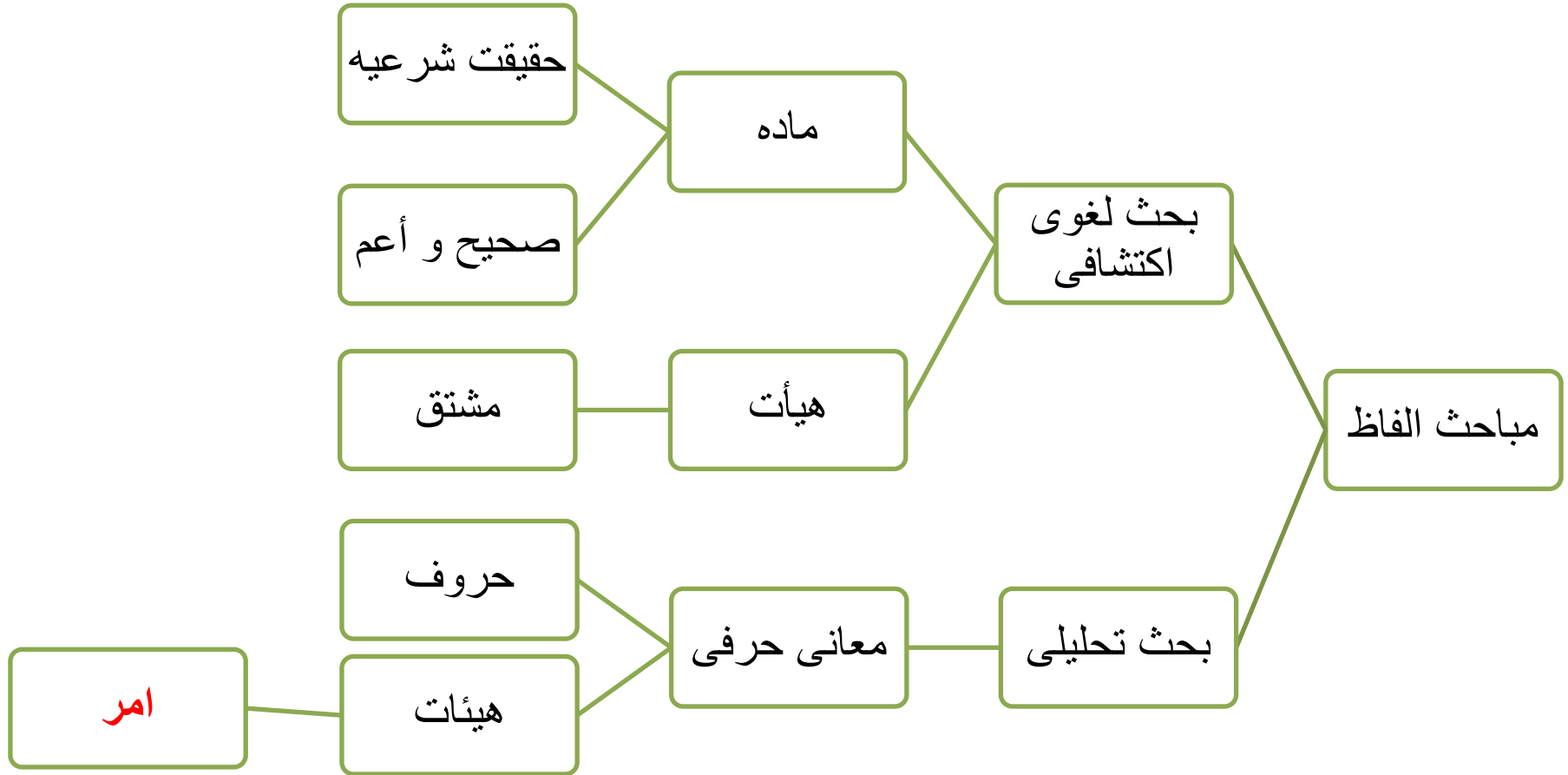
ظهور امر در وجوب

- اما امروز در علم اصول طرح این مسأله چندان معنادار نیست و جزو مسلمات علم اصول است که امر در وجوب ظهور دارد. مهم‌ترین دلیلی که در گذشته برای اثبات این ظهور می‌آوردند، این بود که اگر یک مولایی به عبد خود بگوید برو دو عدد نان بخر، ولی عبد اطاعت نکند، مولا می‌تواند احتجاج کند که چرا نرفتی. یعنی فهم عرفی در مسأله امر همین است.

۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



ظهور امر در وجوب

- اصولی‌های متأخر به منشأ این ظهور امر پرداخته‌اند. بنابراین بحث ظهور امر در وجوب در ابتدا به صورت یک بحث لغوی اکتشافی مطرح بود. در ادامه با طرح این سؤال که چرا امر ظاهر در وجوب است، یک بحث فلسفی - تحلیلی شکل گرفت. البته شهید ثانی - رضوان الله علیه - گفته است چون قرینه بر وجوب داریم امر را حمل بر وجوب می‌کنیم؛ یعنی ایشان قائل نبوده به اینکه امر در وجوب ظهور دارد.

ظهور امر در وجوب

- شهید صدر - رضوان الله عليه - سه نظریه در این بحث مطرح می کند و یک نظریه هم حضرت امام - رضوان الله عليه - دارند که ظاهراً غیر از آن سه نظریه است.

منشأ ظهور امر در
وجوب

وضع صیغه امر برای
وجوب

حکم عقل به دلالت امر بر
وجوب

حکم عقلا به دلالت امر بر
وجوب

ظهور امر در وجوب، ظهور
اطلاقی است

نظریه
مشهور

مرحوم نائینی

حضرت امام

آقا ضیاء
عراقی

استعمال امر در
غیر وجوب
مجازی است.

حکم عقل غیر از
حکم عقلا است.

ظهور امر در وجوب

- باید توجه کنیم که در صورتی می‌توانیم به وضع امر برای وجوب قائل شویم که هیچ یک از آن سه نظریه دیگر تمام نباشد؛ چون فرضمان این است که امر ظهور در وجوب دارد و می‌خواهیم بینیم منشأ این ظهور چیست. اگر این ظهور بدون منشأ وضعی تأمین شود، دیگر نوبت به نظریه وضع نمی‌رسد.

ظهور امر در وجوب

- اینکه مشهور گفتند امر برای وجوب وضع شده است به این دلیل بوده است که ظهور امر را در وجوب واضح می‌دیدند و هیچ منشأً غیر از وضع برای آن احتمال نمی‌دادند و وقتی هر منشئی غیر وضع نفی شود و ارتباط ذاتی بین لفظ و معنا هم مردود باشد، تنها عامل ارتباط لفظ و معنا وضع خواهد بود.

ظهور امر در وجوب

- مرحوم نائینی و حضرت امام و مرحوم آقا ضیاء منشأ دیگری برای این ظهور احتمال دادند و به نظر خودشان آن را ثابت کردند. با وجود این منشأ ضرورتی نمی‌دیدند که بگویند منشأ دلالت وضع است.

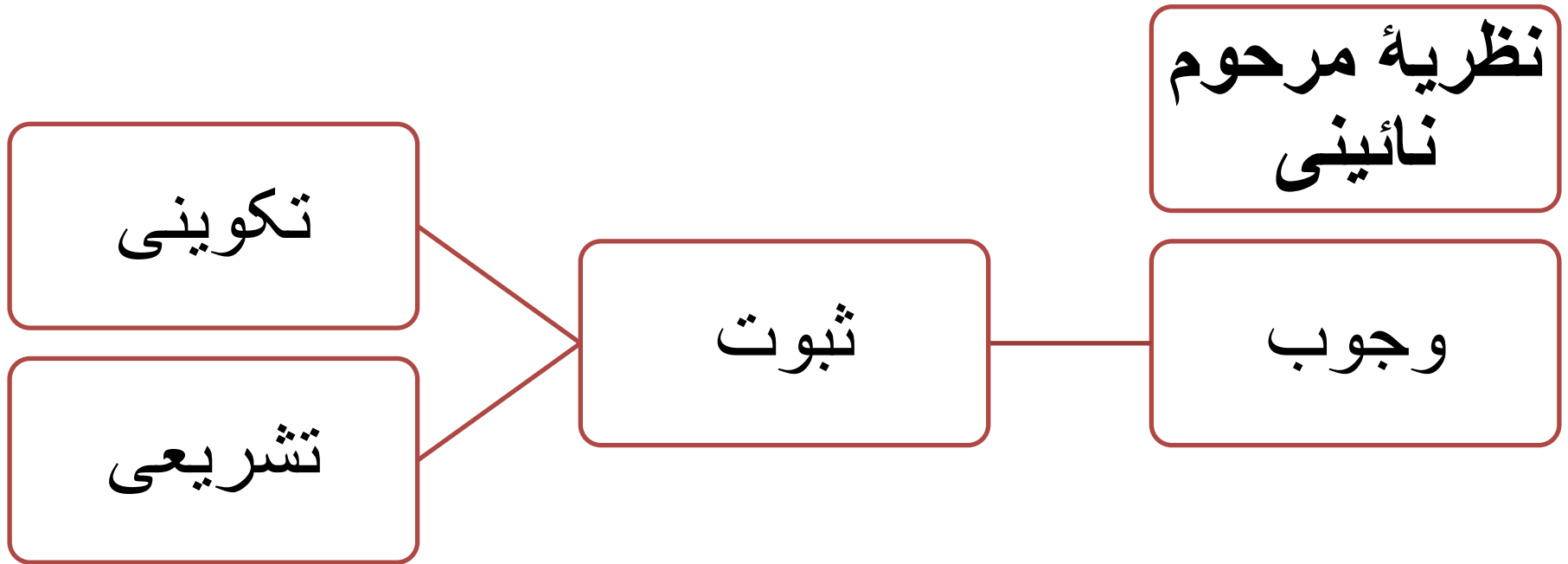
ظهور امر در وجوب

- مرحوم نائینی می‌فرمایند امر برای طلب وضع شده است. حداکثر آن است که وقتی امر (طلب) از عالی نسبت به دانی صورت می‌گیرد و ترخیصی هم در ترک آن وجود ندارد، در این ظرف عقل حکم می‌کند که باید این کار را انجام داد. موضوع حکم عقل را دو چیز تشکیل می‌دهد: صدور امر و عدم وجود ترخیص. شهید صدر - رضوان الله علیه - می‌فرماید اصل این ادعا که عقل حاکم به وجوب است، درست نیست و اشکالات نقضی می‌کند. پذیرش این نظریه آثاری در فقه منجر می‌شود که هیچ فقیهی حتی خود ایشان هم نمی‌تواند به این آثار ملتزم باشد.
- معالم الأصول (با حواشی سلطان العلماء)، ص ۶۶.

ظهور امر در وجوب

- گفتیم دستاورد یک بحث لغوی اکتشافی کشف یک ظهور است در حالی که دستاورد یک بحث فلسفی تحلیلی کشف ظهور نیست، بلکه همان ظهوراتی که برای ما مکشوف بوده‌اند را تحلیل می‌کنیم.
-
-
-
- النائینی، محمد حسین، أجود التقريرات (تقرير السيد ابو القاسم الخوئي)، ج ۱، ص ۹۵ - ۹۶، مطبعة العرفان، قم، چاپ اول، ۱۳۵۲ هـ ش.
- مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص ۲۵۶ - ۲۵۷.
- عراقی، ضیاء الدین، بدائع الافکار فی الأصول (تقرير الميرزا هاشم آملی)، ص ۲۱۳ - ۲۱۴، المطبعة العلمية، نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۷۰ هـ ق.
- ظاهراً چنین بیانی از ایشان در تقریرات نیست.
- در فقه سؤال می‌شود آیا معاطات بیع است یا نه. در آنجا نظریه‌ای مطرح می‌شود که شیخ انصاری - رضوان الله علیه - در نقد آن شبیه این اشکال را مطرح می‌کند که اگر این نظریه را بپذیریم، فقه جدید لازم می‌آید. مقصودشان این است که اثاری لازم می‌آید که هیچ فقهی نمی‌تواند به این آثار ملتزم باشد حتی خود همین فقهی که چنین نظریه‌ای را داده است. به اصطلاح از نظر فقهی ضروری البطلان است؛ هرچند استحالة فلسفی و منطقی نداشته باشد.

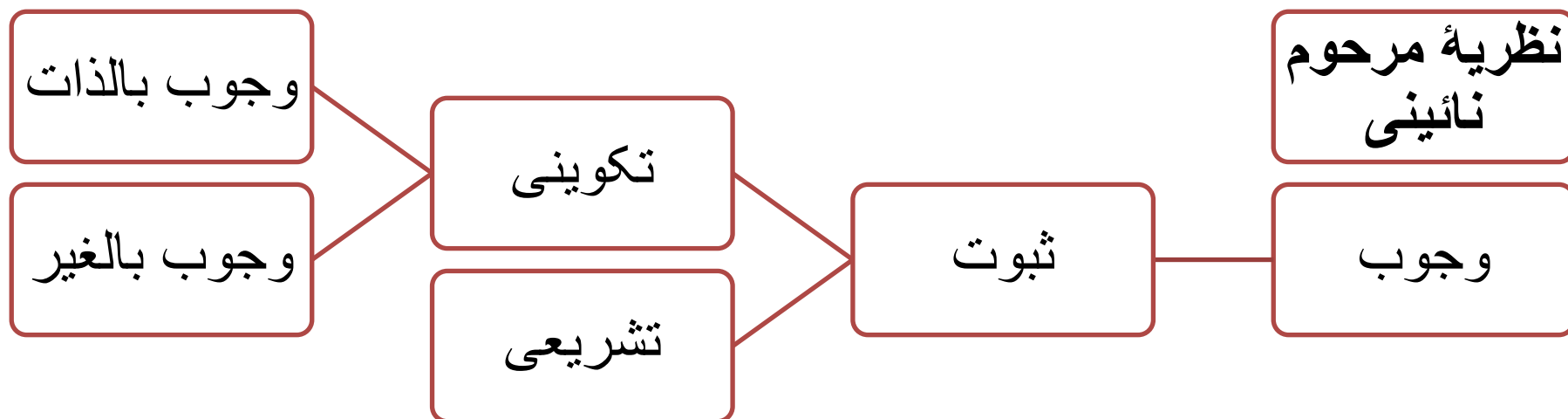
ظهور امر در وجوب



ظهور امر در وجوب

- ۱. نظریه مرحوم نائینی
- ایشان می‌فرمایند وجوب به معنای ثبوت است. همان طور که ثبوت تکوینی داریم، ثبوت تشریحی هم داریم. بنابراین وقتی می‌گوییم چیزی واجب است، یعنی آن چیز ثابت است.
- پس امر نشان می‌دهد که مطلوبیت مأمور به در نزد مولا ثابت است. حال وقتی قرینه‌ای بر ترخیص وجود ندارد، عقل می‌گوید تا وقتی که شما مأمور به را اتیان نکرده‌اید، این مطلوبیت به حال خودش باقی است. بنابراین چاره‌ای جز اتیان به مأمور به ندارید.

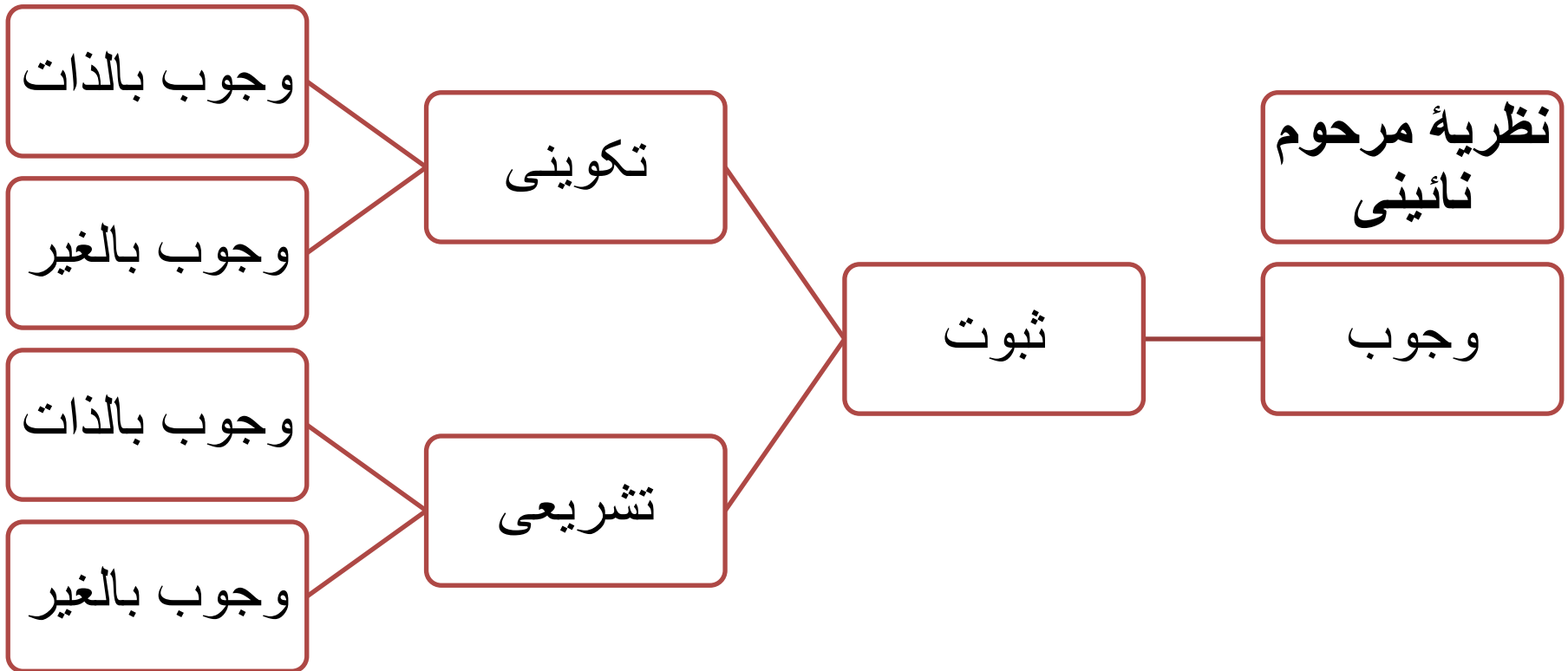
ظهور امر در وجوب



ظهور امر در وجوب

- ایشان می‌فرمایند در عالم تکوین اشیا یا خودشان وجود دارند یا به چیز دیگری موجودند که آن شیء دیگر هم یا خودش وجود دارد با به چیز سومی وجود دارد و همین طور تا منتهی می‌شود به چیزی که به خودش موجود است.
- به تعبیر دیگر موجودات یا وجوب بالذات دارند یا وجوب بالغیر. آنچه که وجوب بالغیر دارد در نهایت منتهی به وجوب بالذات می‌شود.

ظهور امر در وجوب



ظهور امر در وجوب

- در عالم تشریح هم هر چیزی که تحقق و ثبوت دارد یا وجوب بالذات دارد یا وجوب بالغیر. اصل اطاعت مولا وجوبش بالذات است. وجوب سایر اوامر مولا از این جهت است که اطاعت مولا لازم است.

ظهور امر در وجوب

- ایشان نمی خواهد بگوید عقل وجوب را کشف می کند. ظاهر تعبیر وی این است که عقل حکم می کند اطاعت خداوند - تبارک و تعالی - واجب است. وجوب و لزوم اطاعت در بقیة اوامر هم به حکم عقل است؛
- با این تفاوت که در «أَطِيعُوا اللَّهَ» وجوب بالذات است با این تحلیل که خدا مولا است و عقل می گوید باید از مولا اطاعت کرد. اما در «أَقِمْوَا الصَّلَاةَ» عقل می گوید چون این مولا اطاعتش واجب است، وقتی مطلوب خاصی مثل صلاة دارد، باید آن را تحقق ببخشیم. بنابراین اقامة نماز واجب است.

ظهور امر در وجوب

- از اینکه در استدلال، سایر اوامر را در کنار امر «أطيعوا» قرار می‌دهد و فقط تفاوتشان را در بالذات و بالغیر می‌داند، معلوم می‌شود که می‌خواهد بگوید عقل در سایر اوامر هم حاکم است نه کاشف.

ظهور امر در وجوب

- اشکال حلی مرحوم شهید صدر
- ایشان می فرماید طبق نظر مرحوم نائینی اگر بپذیریم که حاکم به وجوب خود عقل است و موضوع این حکم هم دو جزء دارد یعنی صدور امر و عدم ترخیص، در این صورت هر جا امری صادر شود و ترخیصی نباشد، عقل باید بگوید واجب است؛ چون احکام عقلی قابل استثناء نیستند در حالی که این طور نیست و اگر عبد می داند که این امر از یک مصلحت الزامی نشأت نگرفته است، عقل حکم به وجوب نمی کند با اینکه ظاهراً هر دو جزء موضوع حکم عقل تحقق دارد.

ظهور امر در وجوب

- پس معلوم می‌شود که اینجا عقل حاکم نیست، بلکه کاشف است. اما این کشف مستند به چیست؟
- مستند به دلیل لفظی است؛ یعنی اگر عقل از اوامر وجوب می‌فهمد به سبب یک خصوصیتی است که در امر وجود دارد؛ مثلاً چون امر برای وجوب وضع شده یا به اطلاق بر وجوب دلالت می‌کند نه اینکه چون امر صادر شده است و ترخیصی هم از مولا نیامده است، پس عقل خودش حکم می‌کند که این عمل واجب باشد.

ظهور امر در وجوب

- ممکن است اشکال کنید که وقتی این فرد پی می‌برد که مصلحت الزامی در آنجا نیست، معنایش این است که پس ترخیصی وارد شده است.
- جواب آن است که ترخیص بحث اثباتی است و الزامی بودن یا نبودن مصلحت، بحث ثبوتی است. هر جا یک ترخیص ثبوتی باشد، لازمه‌اش این نیست که ترخیصی در مقام اثبات هم وجود داشته باشد.

ظهور امر در وجوب

- در حقیقت معنای اشکال این است که اگر گفتیم موضوع حکم عقل این است که مولا یک لفظی را بر زبان جاری کند و یک لفظ دیگری را بر زبان جاری نکند و من می دانم که آنچه را به زبان نیاورده در دلش هست، پس معلوم می شود حتماً به زبان آورده است!
- به تعبیر دیگر چون می دانم مصلحت الزامی در ثبوت نیست، پس حتماً ترخیصی از زبان مولا صادر شده است!

ظهور امر در وجوب

- شهید صدر می گوید اگر عقل واقعاً حاکم باشد، نه کاشف، باید در جایی که موضوعش محقق است، حکم کند و اصلاً کار ندارد به اینکه چه چیزی کشف می شود. فرض این است که عبد می داند هیچ ترخیصی از زبان مولا صادر نشده است؛ یعنی هیچ ترخیصی در مقام اثباتی وجود ندارد و فرض این است که موضوع حکم عقل همین نبود ترخیص در مقام اثبات است. پس باید عقل حکم کند در حالی که می دانیم با همین فرض اگر در جایی ترخیص ثبوتی وجود داشته باشد، عقل قطعاً حکم به وجوب نمی کند.

ظهور امر در وجوب

- اگر گویا مستشکل در اشکال فرض کرده عقل کشف می‌کند. این مقدار که همان است که آقای صدر - رضوان الله علیه - هم می‌خواهد بگوید. شما فرضی را در نظر بگیرید که عقل حکم می‌کند؛ یعنی وجوبی وجود ندارد و عقل به آن حکم می‌کند و به عبارت دیگر آن وجوب را جعل می‌کند. نه اینکه عقل کشف کند یک وجوبی در اینجا هست و حاکمش و جاعلش هم خود عقل است!

ظهور امر در وجوب

- اگر عقل طلب الزامی را کشف کرد؛ یعنی وجوب را کشف کرده است. دیگر دیگر چه چیز را جعل کند؟ وجوبی را که وجود دارد و جعل شده است؟! این مثل آن است که الآن کشف کند خورشید نورانی است و بعد نورانیت را برای خورشید نورانی جعل می کند!

ظهور امر در وجوب

• اشکالات نقضی مرحوم شهید صدر

• ایشان در این اشکالات هم می‌خواهد بگوید اگر بپذیرید که وجوب حکم عقل است، باید به لوازمی در فقه ملتزم شوید که هیچ فقیهی حتی خود مرحوم نائینی به آن ملتزم نمی‌شود. چند نمونه از این اشکالات به شرح ذیل است:

ظهور امر در وجوب

- ۱. فرض کنید مولا گفته است: «أكرم الفقيه». همچنین یک ترخیص عام از مولا صادر شود که «لا يجب إكرام العالم». طبق دیدگاه مشهور می‌گوییم یک ترخیص مطلق داریم و یک الزام مقید. الزام مقید، آن ترخیص مطلق را تقیید می‌کند. نتیجه این می‌شود که اکرام عالم غیر فقیه واجب نیست ولی اکرام فقیه واجب است.

ظهور امر در وجوب

- اما اگر نظریة مرحوم نائینی را بپذیریم، باید بگوییم اکرام فقیه واجب نیست؛ چون موضوع حکم عقل عبارت بود از صدور امر، و عدم ترخیص که در اینجا جزء دوم یعنی عدم ترخیص تأمین نیست؛ چون ترخیص «لا يجب إكرام العالم» وارد شده است و عالم یک عنوان مطلق است که شامل فقیه هم می شود و بالمآل در مورد فقیه ترخیص وارد شده است.

ظهور امر در وجوب

- ۲. می گوید اگر امر صادر شود و ترخیص متصلی وجود نداشته باشد؛ یعنی مولا می گوید «أكرم العلما» و هیچ ترخیصی هم در همین عبارت وجود ندارد اما احتمال می دهیم با یک عبارت منفصلی ترخیصی داده باشد. قاعده بحث از نظر فقهی و اصولی این است که این امر ظهورش در وجوب منعقد می شود و مادامی که ترخیص منفصل را احراز نکردیم، حکم به وجوب می کنیم. در آینده خواهیم گفت که مخصص یا مقید منفصل هیچ وقت ظهور را از بین نمی برند و حداکثر حجیت ظهور را از بین می برند.

ظهور امر در وجوب

- اما طبق نظریه مرحوم نائینی چون موضوع حکم عقل عبارت است از صدور امر و عدم ترخیص، الآن عقل نمی تواند به وجوب حکم کند؛ چون عدم ترخیص احراز نمی شود.

ظهور امر در وجوب

- البقرة، ٤٣. مرحوم مظفر - رضوان الله عليه - می گوید امر در «أَطِيعُوا اللَّهَ» ارشادی است؛ چون حاکم به وجوب اطاعت، خود عقل است. اما بقیه او امر می توانند مولوی باشند. (اصول الفقه، ص؟؟؟)

ظهور امر در وجوب

- البقرة، ٤٣.
- .
- أجود التقريرات، ج ١، ص ٩٥ - ٩٦.
- بحوث في علم الأصول، ج ٢، ص ١٩.
- همان، ص ١٩ - ٢٠.

ظهور امر در وجوب

- ۲. نظریة مرحوم امام
- ایشان دلالت حکم عقل را در این مسأله نمی پذیرند اما معتقدند وقتی امری از مولا صادر می شود و ترخیصی از سوی او وجود ندارد، عقلاً به وجوب حکم می کنند.

ظهور امر در وجوب

- به همین دلیل اگر عبد به اعتذار اینکه من نمی دانستم این امر واجب است یا احتمال می دادم که ترخیصی وجود داشته باشد، از انجام مأمور به سر باز زند، از سوی عقلا تقبیح خواهد شد و عذرش پذیرفته نمی شود.

ظهور امر در وجوب

- تعبیر ایشان شبیه مرحوم نائینی است با این تفاوت که ایشان به جای عقل فرموده‌اند عقلا حکم می‌کنند.
- قرن‌ها پیش صاحب معالم - رضوان الله علیه - هم این مطلب را بیان کرده بودند که امر در وجوب ظهور دارد؛ چون اگر عبدی امری را که از ناحیه مولا به او شده، اجرا نکند به عذر اینکه شاید واجب نبوده یا شاید ترخیصی بوده است، عقلا او را تقبیح می‌کنند و این عذرها را نمی‌پذیرند.

ظهور امر در وجوب

- ظاهر سخن امام - رضوان الله عليه - جعل حکم از ناحیه عقلا است. به تعبیر دیگر وجوب یک مجعول عقلائی است در حالی که استدلال ایشان پیش از این را ثابت نمی‌کند که امر از نظر عقلا در وجوب ظهور دارد.

ظهور امر در وجوب

- اما این مطلب را ثابت نمی‌کند که خود عقلا به وجوب حکم می‌کنند، بلکه پرواضح است که عقلا در اینجا خودشان را حاکم نمی‌دانند و وجوب از اعتبارات عقلایی نیست.

ظهور امر در وجوب

- عقلا در اینجا خودشان را کاشف می بینند. می گویند وقتی مولا امر کرده و ترخیصی نیامده است، کشف می شود که واجب است نه اینکه چون امر کرده و ترخیصی نیامده است، ما عقلای عالم حکم می کنیم که واجب است.

ظهور امر در وجوب

- بنابراین همان اشکالی که بر نظریه مرحوم نائینی وارد شد، بر نظریه ایشان هم وارد است؛ یعنی عقل و عقلا در این داستان حاکم نیستند، حداکثر کاشف‌اند و ما باید به دنبال یک منشأ برای دلالت بگردیم.
- دو راه بیشتر پیش پای ما نیست:
- یا امر برای وجوب وضع شده است
- و یا به اطلاق بر وجوب دلالت می‌کند.

ظهور امر در وجوب

- . مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ١، ص ٢٥٦.
- . معالم الأصول، ص ٦٦.